

## قباد شیوا

و

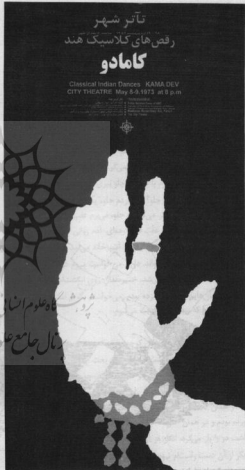
## پرونده‌یی قطور در اشاعه فرهنگ

علی اصغر قره‌باغی

از دهه ۱۹۷۰ به بعد، در جوامع فرهنگی و هنری جهان این پرسش به‌طور بسیار جدی مطرح بوده است که آیا هنر نقاشی می‌تواند در جهان امروز به زندگی خود ادامه دهد، حرفی نو و تاکتیک داشته باشد و چیزی تازه به کتاب کهن نقاشی بیفزاید؟ این پرسش نقاشی را حتی تا مرزهای مرگ و نیستی هم کشانده، برخی منتقدان بی آن‌که علت مردن را به درستی روشن کرده باشند، جواز دفن‌اش را هم صادر کردند و در بوق انداختند. در مورد هنر گرافیک اما، هرگز این پرسش به میان آورده نشده و گرافیک نه تنها اعتبار پیشین خود را حفظ کرده، بلکه با بهره‌جویی از تکنولوژی و تمهیدات تازه، به جایگاهی فراتر از آن چه در گذشته داشت نیز دست یافته است. هنر گرافیک عمر چندانی ندارد، دری است که به تازگی در فرهنگ انسانی گشوده شده و به سبب صفت ویژه‌ی که دارد تاکنون تازه و نوایی نبوده است. برای ارزیابی و سنجش هنر گرافیک باید بر خلاف نقاشی از مضمون شروع کرد و دید که هنرمند گرافیک چه‌گونه به مضمون مورد نظر پرداخته و چه تصویر و ایملی از آن به دست داده است.

اهمیت ایوگرافیکی درست و سنجیده در این است که شیاری زرف و ماندگار بر ذهن مخاطب خود برجا می‌گذارد و دالی بر آن می‌زند که سال‌های سال آن را با خود خواهد داشت. ماندگاری این خاطره از آن جهت است که در پیوند با رویدادی فراتر از تجربیات عادی و روزمره است و ایملی پدید می‌آورد که بیش‌تر در ذهن تماشاگر نبوده است. تأثیری که از اثر گرافیکی در ذهن باقی می‌ماند بی‌تردید چیزی فراتر از یک خاطره خواهد بود، چرا که بخش و بخشی از نگارش هنرمند به جهان پیرامون خویش را نمایندگی می‌کند و برای تماشاگر امکانی فراهم می‌آورد تا آن را با نگارش خود مقایسه کند. در فرایند همین سنجش‌ها و مقایسه‌هاست که تماشاگر از ظرفیت‌های ذهنی و بصری خود آگاهی می‌یابد و بر این ظرفیت‌ها می‌افزاید.

این واقعیت که هرگز نمی‌توان به هنر گرافیک ایران جدا از نام قباده شیوا اندیشید به سبب همین شباهت‌های ماندگاری است که هنرش بر ذهن‌ها برجای گذاشته است. شیوا از معدود هنرمندان عرصه تجسمی است که لقب مردم‌پسند را می‌شناسند و با کارهایش را دیده‌اند. چندین دهه متوالی هنرش بر خوردگاه مردم و هنر بوده است و همین‌جا این را هم بگویم که هنری که با انسان و مردم در نیامیزد، مردمی و مدرن نخواهد بود و به درد زندگی امروز نمی‌خورد. پوسترها، تصویرگری‌ها و به‌طور کلی آثار گرافیکی جان‌دار شیوا بخش



تکنیک‌سازدیری از دایره فرهنگی ماست و کاملاً پیداست که به چه نسل و چه عصری تعلق دارد. پیام‌های تصویری او با زندگی و بافت فرهنگی جامعه تنیده است و کمتر رویداد هنری و فرهنگی سراغ داریم که شیوا در پیوند با آن کار نکرده باشد. بوسترهای شیوا، حتی پس از گذشت سال‌ها، می‌تواند روزهای سال و ماه را مشخص کند و یادآور رویدادی خاص باشد. این بوسترها چه از موضع و منظر محتوا و نحوه پیام‌رسانی و چه از دیدگاه تکنیک و ترکیب‌بندی و کاربرد فرم و رنگ بسیار چشمگیر است و می‌توان با اطمینان در آن‌ها به منزلت پل رابط میان فرهنگ و مردم نگاه کرد. امروز برخی از بوسترهای شیوا که شکلی روزآمد داشت، سرشار از حرف و پیام نو بود و رویدادی فرهنگی را نوید می‌داد، رنگی نوستالژیک پیدا کرده و زنده نگهداشتن خاطراتی محو و دور را به عهده دارد.

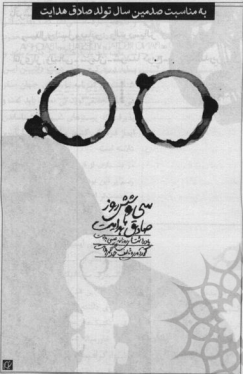
این که می‌گویم بوسترهای شیوا احساسی غریب و نوستالژیک بر می‌انگیزد یکی از این جهت است که در روزگار ما هر پدیده‌ای که ده بیست سالی از عمرش بگذرد شکلی نوستالژیک پیدا می‌کند و دیگر این‌که من از همان آغاز به هنر شیوا اعتقاد داشته‌ام. کارش را در راستای دوام‌بخشیدن به زندگی فرهنگی و ماندگار کردن میراث‌مانندیم و آن را با روح و احساسات ناگزیری که روی می‌داد، دنبال می‌کردم. اما فرصت و بهانه‌مقوله پیش نیامد و ما سن این‌جا نبودم که تا نتوانم داغ است، تاتی چیسایم و چیزی درباره هنر او بنویسم. اکنون برگزاری نمایشگاهی از بوسترهای شیوا این بهانه را فراهم آورده است و امیدوارم که آن‌چه می‌نویسم مختصری باشد برای جریان این تقصیر بزرگ.

قیاد شیوا هنرمندی از نسل دوم گرافیک‌های ایران است. هنر گرافیک ایران با تمام توان‌های عمر، یک دوران ماقبل تاریخ دارد، بعد دوران نسل نوبی آغاز می‌شود، سپس نوبت به نسل دوم می‌رسد و بعد از آن با کاهش میانگین عمر نسل‌های هنری، نسل‌های بعدی با سرعت بیش‌تری سربرمی‌آورند. در دوران ماقبل تاریخ گرافیک ایران، کار قلب کسانی که می‌توان با قیاد احتیاج آن‌ها را گرافیک نامید به خطاطی، تذهیب، تصویرگری، کاریکاتور، روی جلد کتاب و که‌گاه به حوزه تبلیغات محدود می‌ماند. افضل‌الدین آذربید، علی آقاچسبئی، محمد افضلی و علی ابریشم‌کار خطاط بودند. پاریس آسیریان، بیوک آحموری و علی‌اسمر بهرامی تصویرگری می‌کردند و عبدالله باقری تذهیب‌کار بود. نسل اول با حضور هنرمندانی همچون هوشنگ کاظمی، محمود جوادپور (که آرم شرکت نفت از کارهای اوست) و فرزندیک تاثیرت (که آرم راه آهن دولتی ایران را کشید) شکل گرفت و هنر گرافیک هوشنی تازه پیدا کرد. به همین اقتضای می‌توان شکل اول را پیلان‌گذار گرافیک مدرن ایران نامید. قیاد شیوا و مرتضی معین و فرزندش منقالی و برخی گرافیک‌های دیگر متعلق به نسل دوم محسوب می‌شوند. در این میان صادق بریرانی (که پیش‌تر در مجله آذینه به تفصیل به دستاوردها و هنر او پرداخته‌ام، پل رابط این دو نسل شمرده می‌شود) همین‌جا باید بی‌تعارف گفت که نسل اول راه‌گشا بود، اما میراث چندانی بر جا نگذاشت که نسل دوم خود را وامدار آن بداند. صادق بریرانی و گرافیک‌های نسل دوم بیشتر از هنر گرافیک جهان تأثیر گرفتند تا از پیشینیان خود.

به هر حال تصویر قیاد شیوا در برابر پس‌زمینه هنرهای تجسمی و گرافیک ما برجسته‌تر و روشنفکرانه‌تر از بسیاری از گرافیک‌ها و حتی نقاشان دیگر است. شیوا هنرمندی است پرکار، با کارنامه‌ی برپایر و پیرونده‌ی قطور در اشاعه فرهنگ و هنر این سرزمین. بی‌تردید می‌توان گفت که اندیشیدن به هنر گرافیک

و بوستر ایران بدون حضور او معنای کاملی پیدا نمی‌کند. این که نزدیک به چهل سال انبوهی از گرافیک‌ها و حتی نقاشان ریز و درشت‌ها، چه به‌طور مستقیم و چه غیر مستقیم، شاگرد او بوده‌اند، و که‌گاه (به دل‌مان بد نبویم و بگویم از سر حسن‌نیت)، از دیوار هنرش بالا رفتند، اثبات این واقعیت است که هنر گرافیک

## به مناسبت صدمین سال تولد صادق هدایت



ما نیز مانند او بوده و شاید به سبب همین نیاز، هنر او را آفریده و پروراند است. در نقد و بررسی‌های هنری، بسیار اتفاق می‌افتد که تماشاگر می‌کوشد تا با تجسم شخصیت یک هنرمند آشنای را درک کند، اما در مورد شیوا این فرایند معکوس است، از اثر گرافیکی او آغاز می‌شود و به شخصیت‌اش ختم می‌شود. ناگفته نماند که این روش مطمئن‌تر است، چرا که نشانه‌هایی از حضور آفریننده اثر را نیز در خود دارد.

شیوا برای رسیدن به جایگاهی که در هنرهای تجسمی ما دارد کوشش بسیار کرده و راهی فراز و پرفراز و نشیب پیموده است. شب‌هایی که تا دیرگاه برابر سه‌پایه نقاشی می‌نشست و روزهایی که سه‌پایه‌اش را بر دوش می‌گرفت و برای یافتن چرخه‌های تکراری که بتواند تکرار نقاشی باشد، محلت اطراف زاهد، توده همدان را از بالشته در می‌کرد، چندان به فکر تجربه‌اندوختن گرافیکی نبود و فقط به ملازمت و نقاشی فکر می‌کرد. بعدها آشنایی با سنت نقاشی غرب و انس و الفت یافتن با ریزه‌کاری‌ها و فلم‌گیری‌های مینیاتور ایرانی و هنر هند و خاور دور و نیز تخیلی شاعرانه که که‌گاه نقشی پل‌ریسان هم داشت، زمینه‌ی فراهم آوردن آن را

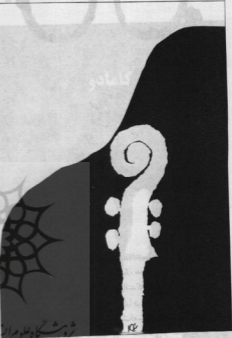
طراحی و نقاشی و توشیهی که اندوخته بود به وادی هنر گرافیک پای نهاد. آنچه به برش مردم سنگ‌های زیر بنای هنر شیوا بود و آغازگاه اصلی را باید در مهرورزی‌های بی‌حد و حصار او به هنر گرافیک جستجو کرد. این تعلق خاطر چندان هم بی علت نبود، چرا که هنر گرافیک را در پیوند تنگناکن با مردم و

تأثیرشهر / شنیده هیچ‌دهم فروردین ماه ۱۳۴۲ هجری بمقدار نظرهم

ریستال ویلنسل و یوینا و والتر دیسپالز و الینا باچپورا  
VICINCELO PANO RECTAL VIDESAL BAICHEVA  
آثاری از: یوینا، شومان، شوستا کوپچ، شوبین، شلدنرین

Handy Arts, Soudabeh Sadeghiyan, Jafar Sadeghiyan, Davood Miri, Mostafa

Handy Arts, Soudabeh Sadeghiyan, Jafar Sadeghiyan, Davood Miri, Mostafa  
Handy Arts, Soudabeh Sadeghiyan, Jafar Sadeghiyan, Davood Miri, Mostafa  
Handy Arts, Soudabeh Sadeghiyan, Jafar Sadeghiyan, Davood Miri, Mostafa



نگرشی جاه طلبانه که لازمهٔ آفرینش هنری و هنرمند شدن است. می‌خواست پوسترش از چنان توانی برخوردار باشد که رهگذران را به توقف کردن وادارد و حرف و پیام خود را به تأثیرگذارترین شکل و فرکوئانس‌ترین زمان ممکن به مخاطب برساند. از این جهت، اثر خود را نه پیچیده و دگر آشنا می‌کرد و نه ساده و اشکار. اندکی ابهام را ضروری می‌دید. آن قدر که رهگذر را به ایستادن و خوانش پیام وادار کند. به همین جهت هم هست که هرگز نمی‌توان اسلکی آثار شیوا را حمل بر زود فهم بودن آن‌ها کرد. او به شکلی زیرکانه و آبریزگاه از تماشاگر پوسترش همان کاری را می‌کند که از ابزار بهایش کشیده است. از همین رو بسیاری از آثارش به گونه‌ای است که تصور می‌رود همیشه باید تماشاگر داشته باشد و بدون حضور تماشاگر شکل کامل و نهایی خود را باز نخواهد یافت.

از همان آغاز پیدا بود شیوا هم پای سفر دارد و هم غنای اندیشه به چالش‌ها و دشواری‌ها می‌رفت و انگار فقط در رویارویی با دشواری‌ها بود که زبان قلمش باز می‌شد. حتی امروزه پیرائش، مانند هر هنرمند راستین دیگر، به رویارویی با دشواری‌های تازه برمی‌خیزد (از آن‌جا که من و او همسب و سالیب، به خودم حق می‌دهم که بیز خطایش کنم و گرنه هزار ملشالله، قمرای و سرحال، یزئیم به تخته، به کار مشغول است و به هیچ قیمت دست از تمهد فرهنگی خود بر نمی‌دارد) کلاس درس و مستند و مینتری دارد و حاصل عمری اکتساب و تجربه را در قالب و قوارهٔ پینشی امروزی با گشاده‌دستی در اختیار هنرجویان جوان می‌گذارد. در هر فرصت زیر پردهای نسل جوان و نوپایی را می‌گیرد که با حکایت و روایت دیگری آمده است و می‌خواهد مقولهٔ هنر را جدی بگیرد. حاضر و ناظر بر جریان‌های گرافیک امروز جهان، یادداشت‌هایی می‌نویسد. با این و آن مصاحبه می‌کند، از سیرو سلوک خود در وادی هنر می‌گوید و به راه روندی که هنر گرافیک ما پیوده اشاره می‌کند. انگار او هم مانند همهٔ کسانی که عمر و تجربه‌ی پشت سر نهاده‌اند اعتقاد یافته است که آن چه هنر را زیباتر می‌کند، یادها و خاطراتی است که با اثر هنری پیوند خورده است. همه از سر دلسوزی چنان که اقتضای سن و تجربه‌های اوست، به نصیحت جوانان می‌نشینند. از معهود هنر متعالی است که به هنر خود در طول و عرض و عمق آندیشه است و آنگون هنرش فروخت تناوری است که به سبب عناصر بضری موجود در آن به حرسو رشد می‌کند و شناخت‌هایش را به سوی تمامیت و کمال گسترش می‌دهد. با این همه، هنرمندی است که هم با تجربه و حرفه‌ای است و هم طلبه و نوآموز. هنوز هنگام برداشتن به مشغول، افزون بر پیام‌رسانی، به تمام معنی‌هایی که باز آن را بر دوش گرفته‌تیز می‌اندیشد و سعی دارد که حاصل کوشش شکل گواهی انگار تأثیر بر احساس تماشاگر و پیشرفت فرهنگ انسانی را داشته باشد.

آن چه در بررسی هنر شیوا می‌باید به آن اشاره کرد، مؤلفه‌ها و کیفیت‌هایی است که هنر او را متمایز می‌کند. سعی می‌کنم این ویژگی‌ها را به اختصار و فهرستوار ردیف کنم و تفصیل بیشتر بماند برای بعد.  
یکی از مؤلفه‌های بارز هنر شیوا این است که به کارکرد اثر گرافیکی، پیام و محتوای آن و زیبایی که وظیفه پیام‌رسانی را به عهده دارد به طور همزمان فکر می‌کند. آموخته است که وظیفهٔ پوستر یا پیام‌رسانی پایان نمی‌گردد. می‌باید مخاطب را به اندیشیدن و داوری کردن نیز وادارد. آندیشه‌یی که تصمیم‌گیری و عمل را به دنبال داشته باشد. هرگز او بران کردن کدها و نشانه‌های مأیوس برای دست‌یابی به زبان و هویت و هنجار تازه و تأثیرگذار واهمه ندارد، اما سعی می‌کند

اجتماع می‌دید. واقعت هم این است که گرافیک هنری است که به آسانی می‌توان آن را به میان مردم برد و به سبب قابلیت تکنیور، هنر را همه‌گیر کرد. با هنر گرافیک می‌توان با مخاطبان عام‌تر و گسترده‌تر ارتباط یافت و بهتر از هر موزه و نهادی به مردم نگرش و فرهنگ داد. هر اثر گرافیکی انگشتی است که به ما اشاره می‌کند و به همین اعتبار یکی از نشانه‌های انگار تأثیر ارزش‌های حاکم بر جامعه و روزگار است.

شیوا کارگرم در وادی هنر از طراحی دکور و کار با رسانه‌های گوناگون آغاز کرد. سپس به صفحه‌آرایی و تصویرگری روی آورد و دیر نگذشت که با توشه و مایه‌یی که اندوخته بود به طراحی و تهیهٔ پوستر پرداخت. از همان آغاز با

که از احتیاط‌های تجسمی عدول نکند و اثرش ادامه مضمون و رویدادی باشد که تصویرکردن و پیمایشانی آن را به عهده گرفته است. طراحی و تهیه پوستر برایش حکم نوعی کشف و شهود را دارد. در آن به چشم نوعی مکاشفه و مراقبه نگاه می‌کند و در فرایند تهیه هر پوستر به کشفی تازه نایل می‌شود. مجموعه این

کاهش می‌دهد و با کاهش جنبه‌های توصیفی و دوری گرفتن از ریخت‌و‌پاش‌های اضافی، بیشتر به زندگی پنهان در نهان و نهفت فرم‌ها می‌پردازد تا خود آن‌ها. او با این شگرد به فراسوی واقعیت گام می‌گذارد و که گاه به قلمرو شعر هم نزدیک می‌شود، اما همیشه گوش‌به‌زنگ است که به دام‌جمله‌نریسم نیفتد.

به سبب‌هایی که برشردم، آثار شیوا هویت و تشخیص دارد اما می‌داند که موفقیت اثر هنری به‌داشتن هویت و شناسنامه محدود نمی‌ماند؛ باید بار فرهنگی نیز داشته باشد و نباید دید که با در دست داشتن این شناسنامه و گذرنامه نا کجای جهان سفر می‌کند و چه می‌گوید. بی تعارف باید گفت و پذیرفت که پوسترهای شیوا در شناساندن ایماژ فرهنگی کشور ما نقشی انکارناپذیر داشته است.

در بسیاری از قلمروهای فرهنگی جهان رسم بر این بوده است که گرافیک جایگاهی فرودست‌تر از نقاشی داشته باشد، اما به جرأت می‌توان گفت که در دایره هنری و فرهنگی ما، هنر گرافیک یک سرورگردن بلندتر از نقاشی ایستاده و بردی جهانی و گسترده‌تر از نقاشی داشته است. دایره‌المعارف بریتانیکا در آخرین ویرایش



خود در مجلد هنر گرافیک، اشاره کرده است که این هنر در پایان قرن بیستم در کشورهای درحال توسعه پیشرفت چشم‌گیری داشته و یکی از عوامل تأثیرگذار در این پیشرفت را، بهره‌جویی از کامپیوتر و تکنیک‌های جدید، چاپ، کامپیوتر، است. این نهاد معتبر جهانی با اشاره به گرافیک خاورمیانه تصریح کرده است که در دهه‌های پایانی قرن بیستم، قیاد شیوا، گرافیکست ایرانی با بهره‌جویی از مضمون‌های سنتی و شمایل‌نگاری و خطاطی و دست‌نوشته‌های کهن فارسی و عربی به جست‌وجوی ارزنده‌ی در عرصه هنرهای گرافیک نایل شده است و برای نمونه به پوسترهای که شیوا در ۱۹۸۴ در بزرگداشت سعدی تهیه کرده اشاره می‌کند.

آن‌جا تاکنون که بررسی هنر شیوا مغفول مانده، هنر تصویرگری اوست. درست است که تصویرگری یکی از وجوه هنر گرافیک شمرده می‌شود، اما می‌توان تصویرگری شیوا را با معیارهای هنر اکسپرسیونیستی نقد و بررسی کرد. این‌جا مجال پرداختن به این وجه از هنر شیوا فراهم نیست، اما همین‌قدر می‌توان گفت که از این توانایی به حد وافر در پوسترهای بهره می‌گیرد. و حرف آخر این که جایگاه هنر قیاد شیوا در گرافیک معاصر ایران نه چیزی است که بتوان از آن فراتر رفت و نه معیاری است که بتوان به کستر از آن قناعت کرده مدتی است که همواره صدای رزم‌معمای مائوس آن در گوش غامطت بصری ما شنیده می‌شود.

کیفیت‌ها تلنگری است به ذهن تماشاگری که گویی هنر درگیرشدن و شرکت‌کردن در اندیشه‌های معاصر را یکسره از یاد برده است.

ویزگی دیگر هنر شیوا این است که بر رسیدن‌های فرم‌هایی و ابعادی سرزمین خود استوار است. پوسترهایش سرشار از نقاشی‌هایی است که برای ما بومی و اهلی شده‌اند و در کمال سادگی، زرقا و معنای روایت‌های اقلیمی و کهن را دارند. از این دیدگاه می‌توان هر یک از آن‌ها را پنجره‌یی گشوده به بخش و برشی از زندگی فرهنگی و اجتماعی این سرزمین دانست. شکل‌نگرش و مجال ایرانی را می‌توان در پوسترهایش دید و باز شناخت. در تک‌تک آثارش ذوق ایرانی و تأثیرپذیری از رقص جادویی نقش‌های کاشیکاری و قلم‌گیری‌های مینیاتوری و تزیین فرش ایرانی و دیگر عناصر ماندگار فرهنگ سترزمین‌اش چهره‌ی اشکار دارد. در برخی از پوسترهای خود از خط فارسی و معانی کلاسی و ذهنی و عرفان نهفته در آرایش خط فارسی نیز به وفور بهره می‌گیرد. در چندتایی از این پوسترهاست که به کشف ترکیب‌بندی موسیقایی خط فارسی نایل می‌شود و ذات همگن هنر ایرانی، شعر و موسیقی را در یک ترکیب‌بندی آگاهانه و در تناسب‌های آهنگین به نمایش می‌گذارد. بر هر خط و فرم و رنگ آثار شیوا مهر شخصیت او خورده است و با این همه برخی از کارهایش شکلی فی‌البداهه و خودمانجیمه دارد، با آن‌که اثرش از سادگی چلب و فرایند پیچیده آن گذر کرده، هنوز فی‌البداهگی خود را دارد و در دل و درون آن می‌توان انگیزه و اندیشه نخستین طراح آن را دید و بازشناخت.

شیوا بنا بر اقتضا و ایجاب فرم‌های خود را به حد اقل و به فرم‌های بنیادین